

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهل و نهم ۱۶/۱۰/۹۸

موضوع: روایات فضائل خلفا، واقعیت، یا کذب محض؟!؟

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

بعضی از احادیث در مورد اهل بیت است که بعضی از اهل سنت گفتند جعلی است و بعضی گفتند صحیح است؛ کدامیک را باید پذیرفت؟

پاسخ:

ببینید این که می گویند جعلی است، باید دلیل بیاورند؛ دلیل بیاورند که چرا جعلی است؟ یا باید یکی از راویانش جعل و وضاع باشد، یا يك روایتی مخالف کتاب و سنت باشد تا روایت جعلی باشد.

مثلا در حدیث «انا مدينة العلم»، «ابن جوزی» می گوید: جعلی است. اما روایت با سندهای صحیح در کتاب های دیگر هم آمده، تمام بزرگان اهل سنت در برابر «ابن جوزی» ایستادند و می گویند ایشان اشتباه کرده که گفته این روایت جعلی است.

علامت «جعل» را باید مشخص کند؛ همین طوری نمی شود که من از پیش خودم بگویم فلان روایت جعلی است. يك وقت «ابن تیمیه» است در سرش يك چیزهای است، هر روایتی بر خلاف تفکراتش باشد می گوید جعلی است!! ملاک برای «ابن تیمیه» آن مطالبی است که در ذهن او است. هر روایتی بر خلاف ذهن او باشد

جعلی می شود!

متأسفانه طوری هم هست که وقتی می‌خواهد يك مسأله‌ای را بیان کند و بگوید جعلی است این را این طوری می‌گوید: "به اتفاق جمیع علما" و یا "به اتفاق جمیع مفسرین"

یعنی يك چیزی هم می‌چسپاند، و دورغ به قدری بزرگ می‌شود که خودش هم باورش می‌شود که واقعا يك همچنین چیزی است. لذا ما در این طور موارد، بدون این که دلیلی بیاورند از آن‌ها قبول نمی‌کنیم.

حتی اگر بگویند یک روایت ضعیف است، ضعیفی که مستدل نباشد آقایان قبول نمی‌کنند؛ در موردی که می‌گوید ضعیف است حتما باید علت تضعیف را ذکر کرده باشد.

پرسش:

در مورد روایت «اصحابی کالنجوم» که هم درباره صحابه داریم و هم در حق اهل بیت، این را چه کار کنیم؟ بعضی از آقایان اشاره می‌کنند صحیح است و بعضی‌ها می‌گویند جعلی است!

پاسخ:

در رابطه با حدیث: «اصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم»؛ آن يك بحث جدایی دارد. اضافه بر این که با واقعیت نمی‌سازد، اصلا علامت جعل داخل آن است.

می‌فرماید: «اصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم» این «اصحابی کالنجوم»؛ خلفا را هم شامل می‌شود؛ حال ابوبکر يك حرفی می‌زند و عمر حرف خلاف آن را زده است. ما چه کار کنیم و کدامش را قبول کنیم؟

پرسش:

بعضی از آقایان اشاره می‌کنند که این روایت «اهل بیتی کالنجوم» صحیح است و بعضی‌ها می‌گویند جعلی است!

پاسخ:

ببینید این که می گوید صحیح است، چون مثلاً می گوید من تمام کتابم را بررسی کردم آن چه که از روایات، روایتش ثقه هستند این ها را من آوردم. این قاعده کلی است. مثل «تفسیر علی ابن ابراهیم» که می گوید من در این کتابم هر چه صحیح است آوردم. ولی اگر يك فردی آمد گفت: فلان روایت جعلی است باید دلیل جعل را بیاورد.

در دلیل جعلش یا می گوید: «اهل بیته کالنجوم» فرضاً مخالف با روایت «اصحابی کالنجوم» است؛ در اینجا می گوئیم که اولاً: «اهل بیته کالنجوم» با «اصحابی کالنجوم» در حقیقت مثل کلی و جزئی است؛ فرضاً صحیح هم باشد يك جا می گوید: «اصحابی کالنجوم»؛ آیا اهل بیت هم جزء اصحاب است یا نه؟

بعد از ذکر مثلاً روایت «اصحابی کالنجوم» از آن طرف می گوید: «اهل بیته کالنجوم» یعنی «ذکر الخاص بعد العام» است، و منافات با «اصحابی کالنجوم» ندارد. بر فرض هم «اصحابی کالنجوم» صحیح باشد می گوئیم این «اهل بیته کالنجوم» از باب «ذکر الخاص بعد العام» است. چه اشکالی دارد؟ اگر دلیل این باشد.

ولی اگر دلیل ضعف روایت «اهل بیته کالنجوم»، ضعف روایت باشد آن بحثش جدا است، يك وقت می گوید فلان راوی در سندش قرار گرفته که علمای رجال ما گفتند این آقا جعل بوده، این آقا وضاع بوده است؛ در اینجا می رویم بررسی می کنیم که اگر واقعا از دیدگاه آنها روایانش متهم به جعل و وضع باشند قبول می کنیم. البته این را که می گوئیم بر مبنای آنها باشد، نه بر مبنای ما.

پرسش:

در کتاب «عیون الاخبار» از آقا امام رضا (علیه السلام) فرمایش دارد «اصحابی کالنجوم»، حدیث صحیح است، امام رضا این حدیث را تأیید کردند.

پاسخ:

ببینید در آن جا بحث سر این است که آیا واقعا آقا امام هشتم (سلام الله عليه) آمده این عبارت را وقتی که می‌گوید پیغمبر فرمود:

«اصحابی کالنجوم»

و بعد اصحاب پرسیدند:

«ما هو المراد من اصحابك؟ قال اهل بيتي»

در آن جا توضیح پیامبر کنارش است؛ یعنی صدر و ذیل روایت با هم مرتبط است. ما نمی‌توانیم صدر روایت را بگیریم و ذیل روایت را رها کنیم. وقتی صدر و ذیل باهم است مراد از اصحاب، همان اهل بیت می‌شود. در آن جا ما مشکلی نداریم.

اضافه بر آن، لَعَلَّ بعضا این‌ها راجع به «اصحابی کالنجوم» عنایت خاصی داشتند؛ این را حضرت برای يك دفعه دخل مقدر، بیان می‌کند. که اگر بنا باشد «اصحابی کالنجوم» باشد، اهل بیت قدر متیقن آن هستند. فرضا آن عام هم باشد، این ذکر الخاص است، یعنی قدر متیقن، این‌ها «کالنجوم» هستند بنابراین «بایهم اقتدیتهم اهدیتهم»!

اضافه بر این که در رابطه با اهل بیت، ما روایات دیگری داریم که این را تأیید می‌کند. مانند «حدیث ثقلین»، «حدیث سفینه» و دیگر احادیثی که ما در رابطه با اهل بیت داریم. این‌ها همه نشان می‌دهد بر این که اهل بیت از نظر این که بتوانند برای تشریح، مصدر باشند دیگر کاملا مشخص است!

یکی از چیزهایی که ما باید خوب روی آن کار کنیم، سه، چهار تا روایت است که این‌ها امروز خیلی روی آن مانور می‌دهند. یکی از آن روایت‌ها، همین روایت:

«أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم»

الشريعة، اسم المؤلف: أبي بكر محمد بن الحسين الآجري، دار النشر: دار الوطن - الرياض / السعودية
- ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م، الطبعة: الثانية، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، ج ٤، ص
١٦٩٠

است. ديگری روایت:

«اقتدوا باللذين من بعدي أبي بكر و عمر»

فضائل الصحابة؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ٢٤١، دار النشر: مؤسسة
الرسالة - بيروت - ١٤٠٣ - ١٩٨٣، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، ج ١، ص ٢٣٨، ح
٢٩٣

است. اینها سه چهار تا روایت این طوری و مهمی دارند که خیلی روی آنها مانور می دهند.

«عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين من بعدي»

رسالة المسترشدين؛ اسم المؤلف: أبي عبد الله الحارث بن أسد المحاسبي البصري الوفاة: ٢٤٣ هـ، دار
النشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب - سوريا - ١٣٩١ - ١٩٧١، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الفتاح
أبو غدة، ج ١، ص ٣٧

یا مثلاً در رابطه با ابوبکر است:

«ان الله يتجلى للناس عامة ولأبي بكر خاصة»

تاریخ بغداد؛ اسم المؤلف: أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی، دار النشر: دار الکتب العلمیة -

بیروت، ج ۱۲، ص ۱۹

یا مثلاً پیغمبر:

«کان إذا اشتاق إلى الجنة قبل شيبة أبي بكر»

المغنی عن الحفظ والکتاب، اسم المؤلف: أبو حفص عمر بن بدر بن سعید الموصلي الوراني، دار النشر:

دار الکتب العربی - بیروت - ۱۴۰۷ هـ، الطبعة: الأولى؛ ج ۱، باب فی فضائل أبي بکر الصديق، ص ۱۴۷

یا:

«أنا وأبو بکر کفرسي رهان»

«إن الله تعالى لما اختار الأرواح، اختار روح أبي بکر»

المغنی عن الحفظ والکتاب؛ اسم المؤلف: أبو حفص عمر بن بدر بن سعید الموصلي الوراني الوفاة: ۶۲۲

هـ، دار النشر: دار الکتب العربی - بیروت - ۱۴۰۷ هـ، الطبعة: الأولى، ج ۱، ص ۱۴۷

این‌ها مطالبی است که مطرح کرده‌اند. یکی از مطالبی که خیلی روی آن مانور می‌دهند روایت «عشره مبشره»

است. تقریباً قوام کارشان روی حدیث «عشره مبشره» است. و نسبت به این‌که چه کسانی هستند و چه کسانی

نیستند سخن گفته‌اند. این هم از آن دسته احادیثی است که جا دارد به خوبی روی آن کار بشود.

«ابن تیمیه» عبارت خیلی زیبایی دارد؛ این را عزیزان داشته باشند؛ این عبارت ایشان در خیلی از جاها که

روایاتی در فضائل خلفاء وجود دارد را به خوبی جواب می‌دهد. ایشان می‌گویند:

« قد وضع الناس أحاديث كثيرة مكذوبة على رسول الله في الأصول والأحكام و الزهد و الفضائل و وضعوا كثيرا من فضائل الخلفاء الأربعة و فضائل معاوية»

منهاج السنة النبوية؛ اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ٧٢٨، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٧، ص ٣١٢

این عبارت «ابن تیمیه» در حقیقت تیر خلاص است برای تمام روایاتی که در فضائل خلفاء آوردند. می گوید: «و وضعوا كثيرا من فضائل الخلفاء الأربعة و فضائل معاوية»

و همچنین «ابن جوزی ابوالفرج» دارد که:

«قد تعصب قوم لا خلاق لهم»

افرادی که بی اخلاق هستند تعصباتی دارند.

«يدعون التمسك بالسنة فوضعوا لأبي بكر فضائل وفيهم من قصد معارضة الرافضة بما وضعت لعلي عليه السلام»

اینها گفتند چون شیعه‌ها برای علی فضائلی جعل کردند ما هم برای ابوبکر یک فضائلی نقل می‌کنیم.

« وكلا الفريقين على الخطأ ، وذانك السيدان غنيان بالفضائل الصحيحة الصريحة عن استعارة وتخرص »

الموضوعات؛ اسم المؤلف: أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد القرشي الوفاة: ٥٩٧ هـ، دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: توفيق حمدان، ج ١، ص ٢٢٥

می گوید هم شیعه و هم سنی، چه شیعه‌های که در فضیلت علی حدیث جعل کردند، و چه سنی‌هایی که در فضیلت ابوبکر حدیث جعل کردند، هر دو در خطا هستند.

در ادامه می‌گوید: ابوبکر و علی فضائل صحیحی که دارند بی‌نیاز است، نیاز نیست ما حدیث جعل کنیم. این کلام ابن جوزی ادعا است در رابطه با فضائل امیرالمؤمنین شیعه و سنی همه آوردند و اجماع فریقین است. ولی در رابطه با ابوبکر، فقط سنی آورده، سنی هم که آورده خودشان هم می‌گویند «کثیر من فضائل» به این شکل است. یعنی جعلی است!

و مهم‌تر از همه، من همیشه این را گفتم، این فضائل اگر واقعاً واقعیت داشت، این‌ها باید در «سقیفه» به آن استدلال می‌کردند؛ در زمان خلافت عمر، باید استدلال می‌کردند؛ در قضیه عثمان که مردم داشتند عثمان را می‌کشتند، یکی از این روایت‌ها را که در رابطه با فضیلت عثمان آمده، اگر صحابه می‌خواندند، مردم از کشتنش صرف نظر می‌کردند.

نکته بعدی این‌که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فضائلش را شب و روز و در هر فرصتی مطرح کرده؛ ولی ما نداریم ابوبکر، عمر، عثمان چیزی در فضیلت خودشان از پیغمبر نقل کنند!! اگر دیگران هم نقل کردند عمدتاً بعد از مرگ‌شان بوده که این احادیث نقل شده! این نشان می‌دهد بر این‌که همه این روایات جعلی است.

«ابن عرفه» معروف به «ابن نبطویه» دارد:

«وقد روی ابن عرفة المعروف بنبطويه... إن أكثر الأحاديث الموضوعة في فضائل الصحابة افتعلت في

أيام بني أمية»

احادیثی که در رابطه با صحابه جعل شده این‌ها در ایام «بنی امیه» جعل شده!

این دیگر خیلی واضح و روشن است.

«تقرباً إليهم بما يظنون أنهم يرغمون به أنوف بني هاشم»

این‌ها برای این‌که بتوانند در برابر «بنی هاشم» سر بلند کنند و بینی آن‌ها را به خاک بمالند، این عبارتها را آوردند!

شرح نهج البلاغة؛ اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد المدائني الوفاة: ٦٥٥ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م ، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ج ١١، ص ٢٧

«محمد عبده» می‌گوید:

«وإن عموم البلوى بالكاذب حق على الناس بلاؤه في دولة الأمويين ! فكثير الناقلون ، وقل الصادقون، وامتنع كثير من أجله الصحابة عن الحديث إلا لمن يثقون بحفظه»

شيخ المضيرة أبو هريرة؛ " أول رواية اتهم في الاسلام "؛ ابن قتيبة؛ تأليف: محمود أبو رية الطبعة الثالثة :
مزیة و معدلة حق الطبع محفوظ دار المعارف بمصر؛ ص ٢٠٢

همین‌طور استاد «امین مصری» هم به همین شکل دارد. این‌ها بحث‌هایی مثل بحث «اصحاب کالنجوم» است وقتی که بحث می‌کنند خیلی از بزرگان‌شان می‌گویند صحیح نیست! مثلاً «بزار» یکی از محدثین بنام‌شان است می‌گوید همچنین چیزی صحیح نیست. «بیهقی» می‌گوید: ضعیف است! و «احمد ابن حنبل» می‌گوید: «لا یصح هذا الحديث» یا «ابن عبدالبر» می‌گوید: «اسناد لا یصح»! «ابن قیم جوزی» می‌گوید این حدیث باطل است.

«ابن حزم» هم می‌گوید:

«هذا خبر مكذوب موضوع باطل»

یعنی من ندیدم در هیچ روایتی این طور، چهار تا ویژگی برایش بیاورد و بگوید این مکتوب، موضوع، باطل است!
بعد می گوید:

«لم یصح قط»

این روایت هرگز صحیح نبوده است!

البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والأثار الواقعة فی الشرح الكبير؛ اسم المؤلف: سراج الدین أبی حفص
عمر بن علی بن أحمد الأنصاری الشافعی المعروف بابن الملتن الوفاة: ۸۰۴ ، دار النشر: دار الهجرة للنشر
والتوزیع - الرياض - السعودية - ۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۴م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی أبو الغیط و عبدالله بن
سلیمان ویاسر بن کمال، ج ۹، ص ۵۸۷

«ابن ابی العز حنفی» به همین شکل می گوید:

«حدیث ضعیف»

«ابن قیم» شاگرد «ابن تیمیه» به همین شکل؛ «مبارکفوری زیعلی» هر کدام از این آقایان دستشان رسیده
این روایت را تضعیف کردند؛ ولی با تمام این حال ما می بینیم که این روایات در نمازهای جمعه، یا منبرهای
آقایان به طور مفصل این مباحث مطرح می شود و توجهی ندارند به این که آیا صحیح بوده یا صحیح نبوده است.
یا مثلاً همین روایت:

«اقتدوا باللذین من بعدی أبی بکر وعمر»

فضائل الصحابة؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر: مؤسسة
الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۱، ص ۲۳۸

در «مسند احمد» و ... آوردند. «ابن حزم اندلسی» می‌گوید:

«ولو أننا نستجيز التدليس والأمر الذي لو ظفر به خصومنا طاروا به فرحا أو أبلسوا أسفا لاحتججنا بما

روي اقتدوا باللذين من بعدي أبي بكر وعمر»

اگر یک روزی جایز بود ما تدلیس بکنیم. دشمنان ما اگر به همچنین چیزی دسترسی داشته باشند از

خوشحالی به پرواز در می‌آیند ما هم به حدیث: اقتدوا باللذين من بعدي أبي بكر وعمر» احتجاج

می‌کردیم

«ولكنه لم يصح»

این روایت صحیح نیست!

«ويعيدنا الله من الاحتجاج بما لا يصح»

الفصل في الملل والأهواء والنحل؛ اسم المؤلف: علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الطاهري أبو محمد

الوفاة: ٥٤٨ ، دار النشر: مكتبة الخانجي - القاهرة، ج٤، ص ٨٨

تک تک راویان این حدیث مشکل دارند. به قول «ابن عدی» می‌گوید یا منکر المتن است یا منکر الإسناد است

«وهو الى الضعف اقرب»

«ذهبی» می‌گوید این روایت غلط است! «احمد بن صلیح» که در سند است «لا يعتمد عليه»

«وهذا غلط واحمد لا يعتمد عليه»

میزان الاعتدال في نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - ١٩٩٥، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد
عبدالموجود؛ ج ١، ص ٢٤٣

بینید تک تک این روایت‌ها که حضرات در فضیلت مطلق صحابه و یا نسبت به ابوبکر و عمر آورده‌اند شما نگاه
بکنید و روی آن تحقیقی کنید همه آن به همین شکل است. تمام این قضایا را آوردند.

یا در حدیث که دارند:

«سُدُّوا عَنِّي كُلَّ حَوْحَةٍ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ غَيْرَ حَوْحَةِ أَبِي بَكْرٍ»

تمام سوراخ‌های که به مسجد باز است همه را ببندید غیر از سوراخی که از خانه ابوبکر بر مسجد است!
الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦ ، دار
النشر: دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة: الثالثة، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا،
ج ١، ص ١٧٨، ح ٤٥٥

این حدیث را جعل کردند در رابطه با حدیث:

«سد الأبواب كلها إلا باب علي»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن
إبن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥، تحقيق: محب الدين أبي سعيد
عمر بن غرامة العمري، ج ٤٢، ص ١٢٢

این آقایان می‌گویند که اصلاً ابوبکر در «مدینه» خانه نداشت تا این که خانه‌اش کنار مسجد باشد و از خانه‌اش
هم یک سوراخ و خوخه‌ای به مسجد باز بشود. دارد بر این که منزلش در «سنح» بوده در نزد زوجه‌اش حتی

وقتی که خلیفه شد از «سنح» با اسب و یا شتر به «مدینه» برای ریاست مردم می‌آمد و غروب به مکانش بر می‌گشت. ۶ ماه بعد از این که خلیفه شد پیاده می‌آمد بعضاً هم سوار اسب می‌شد.

تمامی این‌ها نشان می‌دهد بر این که به قولی می‌گویند آتش به قدری شور می‌شود که صدای آشپز هم در می‌آید. یا مثلاً دارند:

«ما طلعت شمس ولا غربت بعد النبیین والمرسلین علی رجل أفضل من ابي بكر»

هم چنین دارد:

«قوله صلى الله عليه وسلم لأبي بكر وعمر هما سيدا كهول أهل الجنة»

کتاب المواقف؛ اسم المؤلف: عضد الدین عبد الرحمن بن أحمد الإيجي الوفاة: ۷۵۶هـ ، دار النشر: دار

الجيل - لبنان - بيروت - ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷م ، الطبعة : الأولى، تحقيق: عبد الرحمن عميرة، ج ۳، ص ۶۲۳

«یحیی ابن اکثم» که با امام جواد مناظره داشت از حضرت سوال کرد امام فرمود: این از محالات است برای این که اهل بهشت همه جوان هستند. آن جا خانه سالمندان نیست هر چه پیر و پاتال باشد آن جا بریزند.

تمام جمعیتی که وارد بهشت می‌شوند، همه جوان در سن ۲۴ - ۲۵ سالگی هستند و همین‌طور دارد خداوند به هر کدام این‌ها قدرت ۶۰ تا جوان عزب را می‌دهد، در آن جا آن هفتصد، هشتصد تا حوری و... اصلاً مرد می‌خواهد که از عهده آن‌ها در بیاید!! ولی وقتی که پیره مرد باشد کاری نمی‌تواند انجام دهد.

برخی‌ها اخباری که جعل می‌کنند ما کار به دیانتش نداریم، عقل و شعورها کجا رفته؟ مثلاً اکثر چیزهایی که از عایشه در مورد مسائل جنسی نقل می‌کنند، عایشه ضمن این که می‌خواهد بیان کند یک کارگاهی می‌گذارد تا به طور عملی انجام بدهد!! مثلاً می‌گویند غسل چطوری است؟ خودش شروع می‌کند به غسل می‌کند!!

من نمی‌دانم پیغمبر اکرم یا دیگر افراد وقتی در مورد غسل از این‌ها سوال می‌کردند می‌گفتند آب بیاورید من غسل کنم شما ببینید که من چطوری غسل می‌کنم؟

یک روایتی در «صحیح بخاری» است از عایشه سوال می‌کنند اگر کسی با همسرش نزدیکی کند و منی انزال نشود، آیا غسل می‌آید یا نه؟ عایشه می‌گوید: بله پیغمبر آن وقتی که به سن پیری رسیده بود با من نزدیکی می‌کرد، آلتش خیلی شل بود نعوظ کامل نداشت؛ ولی هم پیغمبر غسل می‌کرد و هم من غسل می‌کردم!

شما ببینید چقدر مسخره است؛ از تو سوال کردند اگر زن و مرد بدون انزال با هم نزدیکی کنند حکمش چه است؟ این غسل دارد یا ندارد؟ بگو غسل واجب است تمام شد رفت! این‌که پیغمبر پیر بود شل بود نعوظ نداشت!!

از این قبیل روایت از عایشه الی ماشاء الله آقایان جمع کردند، که البته من احتمال زیاد هم می‌دهم «بنی امیه» این‌ها را از قول عایشه ساختند تا در حقیقت بخواهند پیغمبر را بد نام کنند که يك همسر این چنینی داشته است که تمام اسرار خانوادگی اش را این‌طوری فاش می‌کرده است.

روایت هم دارند که اگر یک مردی مسائل زناشویی خودش را برای مردم مطرح بکند، این آدم بی‌عقل را خدا مورد غضب قرارش می‌دهد، اضافه بر این‌که نشانه حماقت است بلکه مورد غضب خدا هم قرار می‌گیرد.

یا مثلاً «انس» می‌گوید پیغمبر در یک ساعت با ده تا از همسرانش نزدیکی می‌کرد و آخ هم نمی‌گفته است!! بعد از «انس» سوال می‌کنند مگر می‌شود در یک ساعت ۱۰ مرتبه انسان نزدیکی کند؟ می‌گفت: بله پیغمبر میان ما مشهور بود و قدرت شهوت چندین جوان را داشت.

ببینید یا پیغمبر - نستجیر بالله - این را گفته که ذم بر پیغمبر است؛ اگر زنان پیغمبر گفتند ذم بر امهات المومنین پیغمبر است. یا نه، «انس» خودش از لای در نگاه می‌کرده!!

پیغمبر، خانه هر یک از همسرانش تقسیم کرده بودند. یک شب این‌جا، یک شب آن‌جا بود یعنی به آن‌جا می‌رفت تا صبح آن‌جا بوده. ما نداریم پیغمبر یک شب خانه دو تا زنش بوده، یا خانه سه تا زنش بوده! این خیلی واضح و روشن است. ولی ایشان می‌گویند پیغمبر با ده نفر از خانم‌هایش نزدیکی می‌کرده؛ اگر «انس» از لای در نگاه کرده و دیده، این ذم بر «انس» است که شما می‌گویید صحابی پیغمبر است و تازه غلام پیغمبر هم بوده است!!

هر طرف را شما بیاورید محکوم است. شما حساب کنید یک جوان مسیحی، یک جوان یهودی، یک لائیک وقتی این روایت‌ها را ببینید چه می‌گویند؟ فیلم فتنه‌ای که در «هلند» درست کردند از همین روایت‌ها گرفتند و یک فیلم فتنه‌ای علیه پیغمبر درست کردند. یا «آیات شیطانی» که «سلمان رشدی» نوشت، تمام روایات و مطالبی که در این کتابش آورده، همه بر گرفته از «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» است. چیزی افزون بر این که آن‌ها آوردند نیاورده است.

من معتقدم باید اهل سنت را وادار کرد که بیایند یک اقدام قاطعی بکنند، این دسته از روایاتی که در کتاب‌های این‌ها آمده این‌ها را قاطعانه دور بریزند و باید شجاعت به خرج بدهند. این روایاتی که آبروی پیغمبر را این‌طوری برده روایت‌های این‌طوری را از کتاب‌هایشان حذف کنند.

شما ببینید الان فاطمیه نزدیک است؛ می‌گویند مگر می‌شود عمر به دختر پیغمبر جسارت کند؟ عقل این را می‌پذیرد؟ چطور شد شما ده‌ها مطالب خلاف از عمر، ابوبکر از پیغمبر نقل می‌کنید عقل می‌پذیرد؛ ولی وقتی به قضیه حضرت زهرا می‌رسد نمی‌پذیرد؟

متأسفانه بعضی از شیعه‌های نمی‌دانم چه بگوئیم احمق، سنی زده، فریب خورده، امروز در جامعه ما همین بحث‌ها را دارند مطرح می‌کنند. می‌گویند مگر شجاعت علی اجازه می‌داد؟! من نمی‌توانم قبول کنم علی شجاع بود اجازه بدهد همسرش را کتک بزنند و او عکس العمل نشان ندهد!

شماها غیرتی‌تر از امام صادق و امام باقر شدید؟ از ائمه غیرتی‌تر شدید که این قضایا را نقل کردند؟! چرا چشم‌هایتان این را می‌بیند؛ ولی چشم‌های‌تان کور است که آن‌ها را نمی‌بیند.

ما روایات مختلفی داریم که صدیقه طاهره پشت در بود و امیر المؤمنین با یارانش داخل اتاق بودند، این حادثه در عرض چند ثانیه انجام شد. امیر المؤمنین کمر بند عمر را گفت و او را بلند کرد و به زمین کوباند و هیچ کدام از آن جمعیت جرأت نکردند به طرف علی بیایند.

امیر المؤمنین فرمود زهرا جان اگر من بخوام این‌ها را نابود کنم حرفی ندارم؛ ولی اگر این‌ها را از بین ببرم اختلاف داخلی شروع می‌شود دیگر نام پدر تو از زبان‌ها می‌افتد چه کار کنم؟ حضرت زهرا فرمود من به این ظلم حاضرم؛ ولی حاضر نیستم نام پیغمبر و اسلام از بین برود.

شما حساب کنید جنگ داخلی که شروع بشود «یهودی»‌ها، «منافقین»، دولت بزرگ و مقتدر «ایران» در کمین نشسته‌اند، دولت مقتدر «روم» در کمین نشسته؛ اصلاً یک مسلمان روی زمین نمی‌گذاشتند بماند. چه فاطمه زهرا، چه امیر المؤمنین، چه عمر، چه ابوبکر همه‌شان را از بین می‌بردند. اینها دنبال فرصت می‌گشتند. عقل هم چیزی خوبی است خدای عالم به کسی داده باشد. عقل خدا دادی را این‌ها استفاده نمی‌کنند.

این‌که بچه شیعه‌های ما امروز این‌طوری می‌کنند این برای آدم درد است! درد برای ما این است که شیعه‌های ما این شعارها و حرف‌ها را می‌زنند. شما بروید روایات و احادیث را ببینید، دارند می‌گویند: آقا ۱۴۰۰ سال قبل یک آخوندی آمده این حرف‌ها را گفته ما باید حرف او را بپذیریم؟! آخر بابا اگر ۱۴۰۰ سال قبل «کلینی» و «صدوق» را کنار بگذارید، شما دو رکعت نماز صبح نمی‌توانید بخوانید!

همان‌هایی که گفتند نماز صبح دو رکعت است و رکوع و سجده دارد، همان‌ها قضیه هجوم به خانه حضرت زهرا، کسر ضلع حضرت زهرا، سقط محسن حضرت زهرا و شکستن سینه حضرت زهرا را گفتند. این‌که ما بیاییم

روی شاخه بنشینیم و به عکس بُن شاخه را اره کنیم این طوری نمی شود، اولین کسی که از این شاخه بیفتد خودمان هستیم.

من نمی دانم بعضی ها که این حرف ها را می زنند چه تصویری دارند و آن وقت انتظار هم دارند که همه حرف آن ها را گوش کنند. حتی یکی از این آقایان گفته بود: "اگر سنی ها بیایند «[حی علی خیر العمل](#)» را در نمازشان اضافه کنند ما هم «[اشهد ان علیا ولی الله](#)» را حذف می کنیم." ما هم می گوییم: شما اشتباه و غلط می کنی!

اولا آن ها به هیچ وجهی حاضر نیستند این کار را بکنند، آن ها را اگر قطعه قطعه هم بکنند «[حی علی خیر العمل](#)» را اضافه نمی کنند و «[الصلاة خیر من النوم](#)» را حذف نمی کنند.

آن که هیچی، شما بیا به این ها بگو شما «ابوطالب» را کافر می دانید، دست از کفر «ابو طالب» بردارید! اگر این کار را کردند! اصلا ما کاری به این چیزها نداریم. در «صحاح» این ها آمده که حضرت «ابوطالب» (سلام الله علیه، سلام الله علیه، سلام الله علیه) در آتش جهنم است، و از شدت حرارت مغزش می جوشد!!

آیا حاضر هستید از این دست بردارند یا نه حاضر نیستند از این دست بردارند؟! این يك چیز خیلی جزئی است. ۱۴۰۰ سال است از این نتوانسته اند دست بردارند، آن وقت شما می آید می گوید این ها بیایند «[حی علی خیر العمل](#)» را در نمازشان اضافه کنند، دست از «[الصلاة خیر من النوم](#)» بردارند.

بعضی از دوستان خودی، يك سری حرف هایی می زنند که واقعا آدم مبهوت می ماند که قضیه چیست؟ خدای عالم عاقبت همه ما را ختم بخیر کند، بعضی از افراد هستند آخر عمر به جای این که از کیان اهل بیت دفاع بکنند دچار لغزش می شوند. این که در زندگی شان چه گناهی کرده اند که خدای عالم این طور این ها را گرفتار کرده است، چه معصیتی از این ها صادر شده که این طور خدای عالم:

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را
به مسخره گرفتند!

سوره روم (۳۰): آیه ۱۰

عاقبت این‌ها را این‌طوری قرار داده است، ما نمی‌دانیم! این آقایان باید يك مقداری نسبت به گذشته خودشان
تجدید نظر کنند و يك مطالعه‌ای داشته باشند.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»